

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سرمدیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۴۸۵۳
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۴۱۳۵/۱۱۹ رده بندی کنفرانس: ۸۰۳/۲

جایگاه هنر و ادبیات فارسی در آموزه های قرآنی و دینی

هستی رضایی

چکیده

اگر تاریخ را ورق بزنیم و جوامع مختلف را مورد کنکاش قرار دهیم، نهادهای متعددی را در آن جوامع خواهیم یافت که کارشان آموزش دین بوده است و ما نتیجه می گیریم که «دین» همزاد انسان و یک نیاز قطعی و واقعی برای او بشمار می آید و انتقال آن به نسل های آینده در زمره انتقال میراث فرهنگی جوامع است لذا در پی آن آموزش دین نیز یک مسأله ویژه می شود، زیرا این مسأله یک گرایش عمومی برای اولیاء است که دین خود را مثل هر میراث دیگر به فرزندان خویش انتقال دهند، ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر این اولویت را در انتخاب نوع تربیت، برای اولیاء به رسمیت می شناسد و علاوه بر آن معلمان بیشمار هستند که آموزش دین را بعنوان رسالتی اصلاح طلبانه دنبال می کنند به علاوه بر آنکه کنجکاوی در باره دین و گرایش به آن یک رغبت قطعی و فطری در کودکان شناخته شده است که این علاقه و رغبت عموماً در سالهای پایانی دبستان بروز و شدت بیشتری پیدا می کند با این وجود آموزش درس دینی و قرآن در نظام آموزشی ما یک مسأله بسیار مهم و شایسته التفاف است که لاجرم باید به آن پرداخته شود و برای پرداختن به آن لازم است به سؤالاتی از قبیل ذیل پاسخ دهیم که در معارف اسلامی کودک با چه ویژگیهایی توصیف شده؟ کودکان مفاهیم دینی را چگونه می فهمند؟ تربیت دینی مناسب فراگیران در سنین مختلف بایستی دارای چه خصوصیات باشد؟ کدام مفاهیم و احکام دینی برای آموزش به دانش آموزان دبستانی یا راهنمایی و یا مناسب است؟ و آیا برنامه های فعلی تعلیم و تربیت دینی توانسته است آنطور که بایسته و شایسته است موفق باشد؟ قطعاً برخورداری از یک نظام تربیتی مطلوب در این مقطع نیازمند پاسخگویی به هر یک از سؤالات مذکور می باشد.

واژگان کلیدی: هنر و ادبیات فارسی، قرآن، تعالیم دینی، نظام تربیتی، آموزه های

قرآنی

بخش اول: خلاء بهره‌گیری از ادبیات و هنر در آموزش دینی و قرآن در نظام آموزشی فعلی

قبل از اینکه بنده بخواهم در خصوص نقش هنر و ادبیات در آموزش دینی و قرآن سخن بگویم لازم است شناختی نسبی در خصوص وضعیت فعلی نظام آموزشی و میزان بهره‌گیری از ادبیات و هنر در آموزش دینی و قرآن داشته باشیم. الحمد لله به برکت انقلاب اسلامی، ملتی داریم با سرمایه‌های معنوی با ارزش و توانمندی‌های بسیار اما نکته قابل تأمل این است که ما چه اندازه توانسته ایم از این سرمایه‌ها و توانمندی‌ها استفاده کنیم.^۱ برای روشن شدن موضوع سخنی از آقای بهرامپور نقل می‌کنم ایشان می‌فرمایند «دوستی زیرک و باهوش که برای تحصیل به کانادا رفته بود می‌گفت: اگر بخواهیم سرمایه‌های معنوی خودمان را با غرب مقایسه کنیم، باید به خودمان نمره ۱۰۰ بدهیم و به آنها نمره ده ولی فرق ما با آنها در این است که متأسفانه ما از ۱۰۰ سرمایه معنوی، تنها یکی را استفاده می‌کنیم ولی غرب از ده سرمایه خود به اندازه نه استفاده می‌کند» نظام آموزشی ما متشکل از نظام کاری و فعالیت معلم در آموزش و پرورش چگونه ای است که به معلم فرصت علاقه‌مند شدن به علم، هنر و ادبیات را نمی‌دهد و طبیعتاً انتظار نابجایی است که از دانش‌آموزان بخواهیم که عاشق علم، دین، ادبیات و هنر شوند مگر میشود فردی که خودش عاشق نیست بتواند عشق آموزی کند.

ذات نایافته هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

عصر امروزی را عصر انفجار دانش و اطلاعات بشری نام نهاده‌اند چگونه ای که ما هر روز شاهد پیشرفت‌های گوناگون علمی در زمینه‌های مختلف می‌باشیم و این سرعت

^۱ - بهرام پور، ابوالحسن، نقدی بر ناکارآمدی آموزش و پرورش در ایران، انتشارات زیبا، تهران ۱۳۸۲ ص ۱۹

بطور سرسام آور حرکت رو به جلو خود را ادامه می دهد بگونه ای که بنا بر پیش بینی دانشمندان سرعت پیشرفت علوم بحدی است که در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی از اول فروردین تا پانزدهم خرداد سال ۱۴۰۰ یعنی در مدت زمان ۷۵ روز پیشرفت ها و کشفیات و اختراعات بشر در این فاصله کوتاه با تمامی پیشرفت ها و کشفیات و اختراعات قبل از آن از ابتدا تا آن زمان برابری می نماید پس با این وجود ما ناگزیر به بهره گیری از پیشرفت ها و فن آوریهای علمی روز در امور آموزش می باشیم که در این زمینه نظام آموزشی ما نتوانسته است آنگونه که بایسته و شایسته است از این فن آوریها بهره لازم را ببرد بگونه ای که در تقسیم بندی سازمان علمی آموزشی یونسکو از میزان بهره گیری کشورها از تکنولوژی آموزشی کشورها را به دو دسته شمال و جنوب تقسیم نموده است کشور های شمال کشور هایی هستند که نظام آموزشی آنها باز خورد مناسبی دارد و خروجی های نظام آموزشی آنها می توانند انتظارات نظام کشورشان را چه در جهت ارتقاء توانمندیهای فردی و تکامل شخصی و چه در جهت اجتماعی بر آورده نمایند و بخوبی در جامعه خود ایفای نقش کنند و دسته دوم کشورهای جنوب می باشند که خروجی های نظام آموزشی آنها باز خورد مناسب ندارند که متأسفانه کشور ما هم در زمره کشورهای جنوب می باشد چرا که ما فرصت های طلایی که می تواند در جهت کسب علم و دانش و پرورش مهارت های فکر کردن، مهارت اجتماعی شدن، مهارت های فنی جهت آماده شدن برای ورود به عرصه زندگی واقعی و اجتماعی شدن را هدر داده ایم حتی در آموزش دینی و قرآن چرا که امور دینی و قرآنی در زمره سایر دروس قرار داده و فکر می کنیم که امروز دانش آموزی دین مدار است و ارزشهای دینی را فرا گرفته است که بتواند از دین تعریفی زیبا و روان ارائه دهد همان گونه که در کتابهای دینی دوره ابتدایی و راهنمایی ما دین را اینگونه معرفی کرده بودند و تمامی ارزشهای دینی و والای آن را در قالب تعاریفی ذهنی برای

دانش آموزان ارائه داده بودند اما الحمد الله با تغییر کتابهای دینی در مقطع ابتدایی گامهای مثبت و موثری برداشته شده اما باز هم یک خلأ بزرگ در آموزش دینی و قرآن در نظام آموزشی ما مشهود است و آن هم اینکه ارائه و تالیف کتابهای دینی با این غنای دینی و مبتنی بر نیازهای روحی و روانی کودک یا در نظر گرفتن تمامی اصول اصول روانشناختی و ... آنها متأسفانه در امر ارائه و آموزش آنها راهکارهای مناسب معرفی نگردیده پس باید با روشهای زیبا و بدیع و نو آورانه این مفاهیم ارائه شود که اصل سخن من هم روی همین صحبت آخر است که باز هم اشاره ای به تکنولوژی آموزشی و آموزش موفق داشته باشم امروزه از دیدگاه تکنولوژی آموزشی، آموزشی موفق است که تنبیهی بر خط زنجیره ای طراحی - اجراء و ارزشیابی استوار باشد یعنی معلمین ما باید دارای تفکر تدریس باشند و با یک نگرش سیستمی به کلاس درس و آموزش انجام وظیفه نمایند که اگر این اتفاق بیافتد ما می توانیم از شیوه های نو و خلاقانه در آموزش دینی و قرآن بهره بگیریم که شاید یکی از بهترین راههای بهره گیری از شیوه های نو استفاده از ادبیات و هنر بعنوان دو مقوله مورد علاقه و روز و توجه بچه ها در آموزش درس دینی و قرآن باشد.

بخش دوم: چرایی ادبیات و هنر

امروزه کار معلم تنها انتقال یک سلسله مفاهیم به دانش آموزان از طریق نشانه های گفتاری و نوشتاری نیست بلکه مهمترین وظیفه او این است که بداند چه چیزی را به چه کسی و با چه روشی می باید ارائه نماید از این رو معلم خوب کسی نیست که تنها یک مطلب را خوب بداند بلکه معلم شایسته کسی است که بتواند مطلب را متناسب با سن و ویژگیهای اختصاصی دانش آموزان و آنهم با زبانی مناسب حال او ارائه نماید که در این راه با بهره گیری از ادبیات و هنر می توانیم گامهای بلند و موثر برداریم چرا که ادبیات یکی از قلمروهای بسیار مهم و گنجینه فرهنگی هر جامعه زبانی است و فرهنگ ارزشهای

دینی و معنوی آن در درجه اول در رفتار و کردار و شیوه زندگی، عادات و رسوم و روشهای افراد آن کشور در مبارزه با مسائل و مشکلات تجلی می یابد و انسان به یاری ادبیات و هنر است که نتوانستن های خود را در ساحت واقعیت جبران می کند و به آنچه که باید باشد و نیست رنگ عینت و تجلی مخصوص می بخشد قطعاً ادبیات و هنر انسان را از دایره تنگ تفرد و درون گرایی محض خارج کرده و در مسیر تعامل و تکامل اجتماعی و انسانی قرار می دهد و پر واضح است که انسانهایی که آثار ادبی را مطالعه می کنند و یا دستی در هنر دارند معمولاً دارای افق اندیشه وسیع تر و ژرف تری نسبت به مسائل جهان دارند و می توانند آزادانه از مرز دنیای واقع فراتر رفته و در اوج زیبایی خود ساخته یه پرواز در آیند و در این رهگذر رویاهای ناممکن را ممکن سازند علاقه مندی به ادبیات و هنر و فراهم نمودن زمینه بهره گیری از آن برای دانش آموزان باعث گسترش و حس زیبا شناسی آنان، تبلیغ ارزشهای معنوی، آشنایی با الگوهای رفتار انسانی و الّا گسترش باورها و نگرش های مثبت و به طور کلی آزادی انسان از فشارهای ناشی از زندگی مادی می گردد و از طرفی اگر ما بتوانیم با بهره گیری از ادبیات و هنر دانش آموزان را علاقمند به امور دینی و قران نمائیم در حقیقت دریچه هایی شفاف به دنیای اطراف دانش آموز باز می شود که با پیشرفت کار آموزشی این پنجره و شفافیت آن بیشتر می شود و با وجود چنین دریچه هایی دانش آموزان دنیا و زیبایی های آنرا بهتر می بینند و نتیجتاً علاقه بهتری به هنر پیدا کنند چرا که اعتقاد داریم، مبانی دینی ما منطبق بر حکمت های جهان هستی و منطبق بر فطرت انسانی است و قطعاً آگاهی بیشتر از حکمت های جهان هستی باعث رشد دینداری خواهد شد. و در پایان این صحبت سخنی از استاد جعفر سبحانی را اشاره می نمایم.

ایشان می‌فرمایند^۱ "علم و دانش، مطالعه و بررسی آثار دانشمندان، غور در قوانین آفرینش، مایه شکفته شدن عقل و خرد می‌گردد، چنانچه ممارست با گناه و همنشینی با بدکاران، دیدن مناظر معصیت، مایه ضعف شنوایی و بینایی خرد گردیده و زشتی بسیاری از کارها را از میان می‌برد."

بخش سوم: راههای بهره‌گیری از ادبیات و هنر در آموزش دینی و قرآن

آموزش دین فرایندی فراگیر از ژرفا و آرام است که این سه ویژگی گاهاً مورد غفلت واقع شده، اساساً دین مفهومی فراگیر دارد و شاید به دلایلی دین را کنار سیاست، اقتصاد، فرهنگ و غیره قرار دهند، لکن دین از نظر خود دین و دین‌باوران چیزی در کنار بقیه چیزها نیست بلکه بالاتر از آن، نوعی تلقی از همه چیز است پس همه شاخه‌های زندگی را در بر می‌گیرد.

در قرآن کریم می‌خوانیم:

"قل ان صلواتی و نسکی و محیا و معاتی لله رب العالمین"

همچنان که زندگی، از ابتدای تولد تا مرگ را در بر می‌گیرد.

به این ترتیب دین یک بارگرانی که بر زندگی کودک تحمیل می‌شود و او را در طی این راه یکه می‌زند نیست که در چنین صورتی دین یقیناً مزاحم زندگی اوست. در حالی که دین یک نوع زندگی کردن است یعنی راهی برای زندگی و یک نوع تلقی از زندگی است لذا دین در زندگی بچه‌ها مثل حلول یک روح پاک در جسم باید در بازی، کار همه دروس و همه چیز کودک دمیده شود. دین، جایی خاص فرضاً مانند ساعت سوم

^۱ - کتاب مربی نمونه، استاد جعفر سبحانی، ناشر انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ چهارم، ص ۴۳

روز شنبه در برنامه هفتگی ندارد دین بیش از تاکید بر ساعتی خاص ، باید در برنامه ها حضور داشته باشد بلکه بیش از آن دین در فضای جامعه و زندگی و اندیشه و احساس باید تجلی کند . قطعاً فراگیری دین چشم انداز فراخی در یافتن مدخلی برای آموزش دین پیش چشم ، قرار می دهد این مدخل هیچ مانعی ندارد که بازی کودکان باشد . آن هم نه بصورت تحمیل مثلاً در ورزش باستانی و خودی ما در زورخانه ورزش پهلوانی ، فرهنگ دین نفوذ اساسی دارد . حتی در مذاهب دیگر نیز بهره گیری از هنر و ادبیات نیز مدخلی است برای آموزش و ایجاد علاقمندی به دین بگونه ای که آقای " عادل توفیق عطاری " در کتاب " القرية اليهودية في فلسطين المتحله والدیا سپورا " نوشته :

"^۱ قهرمانان توراتی مثل قصه حضرت داود ، طالوت و جالوت ، مدخلی برای آموزش دین است یا جشن زیبای بابا نوئل دوست داشتی ، یک مدخل برای ایجاد علاقمندی به دین است همچنان که سرودهای کودکانه ، این نقش را در مسیحیت بازی می کند ."

پس با مقدمه ای که ذکر کردم امروزه بهره گیری از ابزارهای خلاق و جذاب در کیفیت بخشی به آموزش دینی و قران در مقاطع مختلف تحصیلی ما ضروری به نظر می رسد و قطعاً مربیان و معلمان با تجربه و آگاه و علاقمند با بهره گیری از ابزارها و شیوه های خلاق و نو و متناسب با نیاز و رغبت فراگیران خود می توانند در دستیابی به اهداف آموزش دینی در دوره های مختلف به فراگیران موفق عمل نمایند . در این قسمت و در ادامه تعدادی از شیوه های هنری که می تواند بصورت کاربردی در آموزش دینی و قران مورد استفاده قرار گیرد را ارائه می نمایم البته لازم بذکر است که بنده مرز بندی بین بهره گیری از آموزش

^۱ -مقاله (آموزش دین فرایندی فراگیر ، (ژرف و آرام) نوشته مجتبی صبوری

زبان هنری و ادبی در درس دینی و قرآن ایجاد نمی‌نمائیم چرا که معتقدم که بهره‌گیری از ادبیات و هنر همه به نوعی نشان‌دهنده هنر و خلاقیت و ابتکار معلم و فراگیران است.

یکی از فعالیتهای خلاق و جذاب برای بچه‌ها در گروههای سنی مختلف و در دوره‌های مختلف تحصیلی است که به عنوان ابزارهای موثر و ارزان قیمت و در قالبهای مختلف می‌تواند در خدمت آموزش دینی و قرآن قرار گیرد که این قالبها عبارتند از:

قصه‌گویی ساده

قصه‌گویی همراه با تقلید صدا و حرکات

قصه‌گویی با استفاده از تصاویر ثابت و متحرک

قصه‌گویی همراه با پرده خوانی

قصه‌گویی همراه با نمایش عروسکس

قصه‌گویی همراه با چهره‌آرایی

قصه‌گویی همراه با ایفای نقش

قصه‌گویی فردی و گروهی

و

پس همان‌گونه که ذکر آن گذشت معلمان آگاه و با تجربه و علاقمند می‌توانند از طریق قصه و قصه‌گویی و تنوع بخشی به آن در امر آموزش آمیزها و ارزشهای والای انسانی و دینی موفق عمل نمایند که بطور مثال می‌توان به انتخاب (قصص قرآن) متناسب با اهداف درسی و آموزش آن به شیوه‌های که ذکر آن گذشت به فراگیران خود اشاره نمود.

در همین راستا طراحی و اجرای برنامه های خلاق قصه گویی نظیر قصه سازی توسط فراگیران یا طرح داستان های ناقص با ارائه موضوعات یا محورهایی برای پرورش استعداد های ادبی آنها به علاوه همراه نمودن قصه ، نقاشی ، و خاطره گویی و بیان مشاهدات بصورت شفاهی و خلاق از جمله برنامه های متنوع و جذابی است که در مسیر آموزش دینی و قرآن می توان از آن بهره های زیادی برد .

بخش چهارم: شعر و شعر خوانی (دکلمه خوانی) و شیوه های آن

کودکان دنیای عجیبی دارند ! گویی همه شاعرند دنیایی دارند سرشار از زیبایی و خیال دنیایی که کینه را در آن راهی نیست اگر کدورتی در دنیایشان وارد شود به سرعت ابرهای بهاری پراکنده می شوند و در دنیای آنها گلها خمیازه می کشند ، می رقصند و می خندند ، کودکان با گیاهان و سنگها حرف می زنند و دوستی می کنند . در دنیای آن ها همه چیز زبان دارند و حرف آنها را می فهمند کودکان با ابرها گفتگو می کنند ، ماه را از دور می بوسند و به او سلام می کنند ستاره ها را از باغ آسمان می چینند و به گردن عروسکشان می آویزند با طبیعت و پرندگان بازی می کنند و زندگی می کنند . مطالبی که ارائه نمودم صرفاً جهت تشریح اهمیتی که شعر در دوره دبستان و سایر دوره ها دارد بود اما باید گفت که تقریباً ادبیات تمام ملتها با شعر آغاز شده است به ویژه در ساخت دعاها و سرودهای مذهبی شعر از جایگاه خاص برخوردار است چرا که همه این دعاها و سرودها موزون و آهنگین است و وزن و آهنگ دو ویژگی اولیه از مشخصه های اشعار می باشد . پس ما می توانیم از ادبیات خصوصاً شعر بهره هایی زیادی در امر آموزشی دینی و قرآن ببریم که در این خصوص باز خلاقیت و ابتکار معلمین می تواند ارزش و جایگاه بهره

مربی یکی از مدارس فلوریدا اشاره نمایم. ایشان میگوید^۱ «شعر در تدریس من چیزی بیشتر از جادو است می توانم با شعر به طریقه های گوناگون بچه ها را برانگیزانم به کلاسم جان بدهم و برنامه های درسی ام را به اجراء بگذارم» پس هر معلم خلاقى خواهد توانست با انتخاب اشعار مناسب و مربوط به زندگى بچه ها دامنه تجربه بچه ها را چه در داخل کلاس و چه در بیرون از کلاس وسعت بخشد و ارزشهای والای انسانی و دینی را در قالبی زیبا و منطبق بر تخیل زیبای بچه ها به آنها ارائه نماید که می توان با بهره گیری از شیوه های شعر خوانی که در ذیل می آید بر غنای آموزش دینی افزود

بند اول: شیوه های شعر خوانی

شعرهای مذهبی و دینی در کتب درسی ما فراوان است اما نکته قابل تأمل چگونگی ارائه آن به فراگیران می باشد که شعرهای کتابهای درسی و یا شعرهایی که معلم می تواند از منابع مختلف و با توجه به موضوع درسی انتخاب و به شیوه های خلاقانه و با بهره گیری از هنر دانش آموزان به آنان ارائه نماید که این شیوه ها شامل :

۱- شعر خوانی به شیوه کلمه

۲- شعر خوانی همراه با آهنگ یا موسیقی

۳- شعر خوانی به شیوه تصویر سازی

۴- شعر خوانی همراه با ساخت کار دستی

۵- شعر خوانی همراه با بازی

۶- شعر خوانی به شیوه داستانی

^۱ - مقاله (شعر ابزار جادویی کلاس) نوشته جانیز هایز آزروروز - ترجمه علی رووف

۷- شعر خوانی همراه با تقلید صدا

۸- شعر خوانی همراه با ایفای نقش

۹- شعر خوانی همراه با تغییر لباس

۱۰- شعر خوانی همراه با چهره آرایی

۱۱- شعر خوانی همراه با معرفی اشیاء

۱۲- شعر خوانی همراه با آهنگ سازی زبانی

۱۳- شعر خوانی همراه با ارائه نقاشی

۱۴- شعر خوانی همراه با کتابت و خوشنویسی

۱۵- شعر خوانی همراه با اجرای حرکات موزون

۱۶- شعر خوانی همراه با تغییر در تن صدا

۱۷- روح دادن به شعر با ایجاد حرکات رفتاری دوستانه، تعاون و همکاری

که این شیوه‌ها را می‌توان هم به صورت فردی و هم گروهی اجراء نمود.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که عنوان نمود چنین می‌توان نتیجه گرفت که ما اگر بخواهیم در امر آموزش دینی و قرآن منطبق بر هدفهای کلی و آرمانی نظام آموزشی مان موفق باشیم باید با تکیه بر دستاوردهای نوین علمی در زمینه‌های مختلف و با توجه به خصوصیات و ویژگیهای جسمی، روحی و روانی و اخلاقی فراگیران در دوره‌های مختلف سعی نمائیم مفاهیم دینی و ارزشهای واحد انسانی را در قالبی جذاب، زیبا،

پویا، فراگیر و با بهره‌گیری از زبان هنری و ادبی و مشارکت فعال و متعامل فراگیران در فرایند آموزش به آنان ارائه نمائیم و در امر تدریس دروس دینی و قران از شیوه‌های نوین تدریس خصوصاً شیوه‌های مشارکتی که می‌تواند اثر و نقش ادبیات و هنر را در آموزش دینی و قران صدچندان نماید بهره لازم را ببریم. ان شاءالله که در این راه موفق باشیم. با ذکر این سخن زیبای آبرت انیشتین مطلب را به پایان می‌رسانم: ایشان می‌فرمایند "امروزه گاه صرفاً مدرسه را محملی برای انتقال صرف اندوخته‌های علمی و اطلاعات به ذهن فراگیران می‌دانند حال آنکه اندوخته‌های علمی چیزی مرده است و با زندگان سر و کار داریم و باید راه و رسم چگونه کردن را به آنان بیاموزیم"

منابع و مآخذ

۱. کتاب مجموعه مقالات سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش ، انتشارات تربیت تهران
۲. زندی بهمن ، روش تدریس فارسی در دوره ابتدایی ، انتشارات صحت ، تهران
۳. بهرامپور ابوالحسن ، نقدی بر ناکارآمدی آموزش و پرورش در ایران ، انتشارات زرد ، تهران
۴. احدیان ، محمد ، مقدمات تکنولوژی آموزشی ، انتشارات بشری ، تهران
۵. راتینگ جی ، مقاله های با عنوان رشد و تکامل عقلی کودکان ، ترجمه حسن پاشا شریفی
۶. سید محمد حسینی دقیق (مقاله ای با عنوان شیوه های گوناگون شعر خوانی) کتاب زبان آموزی ، انتشارات نشر تمرین ...
۷. مجتبی صبوری (مقاله ای با عنوان دین فرایندی فراگیر ، از ژرفا و آرام)
۸. حمید احمد زرهانی (مقاله ای با عنوان بررسی جایگاه تربیت در نظام آموزش و پرورش ایران)
۹. مصطفی رحمان دوست (مقایسه ای تحلیلی بر وضعیت تربیت بدنی معاصر ایران)
۱۰. مرتضی حاجی بابایی (مقایسه ای با عنوان جایگاه هنر در نظام آموزش و پرورش دوره ابتدایی)
۱۱. محمد مهدی هراتی (مقاله ای با عنوان جایگاه فراموش شده هنر در دوره ابتدایی)